

انجمن سہری بندیکت

سفر پر خطر

ترتوں لی استوارت / آتوسا گلکار

فهرست

۹	نامه‌های آبلیمویی و ناامیدی‌ها
۲۵	هشدراری که فوانده نشر
۴۰	آن سوی شیشه یا نگرستن به آینه
۵۳	تشکیل مجلہ مجلسه
۶۱	سفر آغاز می‌شود
۸۴	کمی حقیقت و کمی فریب
۹۱	غوک‌ها، دزدان دریایی و مشکلات فنی
۱۲۱	مفعوم آب و هوا
۱۳۸	تعیین مسیر و خداکاری‌های بزرگ
۱۴۹	عجوزه‌ی پیر، هریه‌ی مشکوک و سرگردانی در قلعه
۱۶۶	مبارده‌ی نامناسب و تغییر قیافه‌ی استادانه
۱۸۲	وعره و نبات
۱۹۶	اسناد مربوط به گیاه داسک و وورت
۲۱۵	تلغن و پول و نامه‌ی سرنوشت‌ساز
۲۳۲	سراپام بپه‌ها دستگیر می‌شوند
۲۴۷	زندانی اتاقلک قایق‌ها
۲۶۳	به دنبال باد
۲۷۶	گرگ و میش قبل از غروب
۲۹۳	کشیک روی سیلو
۳۰۳	رؤیاهای شیرین و دل‌داری‌های دروغین
۳۱۷	بچه‌ی پاندرورا
۳۳۶	گریز از پناهگاه
۳۴۸	غار بالای کوه

دوستان قدیمی و دشمنان پدید
آینه در تاریکی می‌درخشد
پیش، توضیح و دلایل موجه

۳۶۸

۳۹۲

۴۰۸



در یک روز درخشان ماه سپتامبر، زمانی که همه‌ی بچه‌ها در مدرسه مشغول یادگیری کسر و اعشار بودند، رینی مولدون^۱ در حال پایین‌رفتن از یک جاده‌ی خاکی بود. او قد و قامت متوسطی داشت؛ چشم‌ها و موهایش قهوه‌ای معمولی، اندازه‌ی پاهایش متوسط و فاصله‌ی بینی تا گوش‌هایش، متناسب بود. او کاملاً تنها بود؛ به‌جز شاهینی که در آسمان اوج می‌گرفت و چند چکاوک، تنها موجود زنده‌ای بود که در آن ناحیه دیده می‌شد.

1- Reynie Muldoon